



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 10, No. 2, 2021
Research Paper

Conceptual Metaphors of the Realm of Resurrection in Surah An-Nāzi‘āt

Vafa Mahfouzi Mousavi¹, Sayyed Hossain Seyedi², Amir Moqaddam
Mottaqi³

¹Ph.d candidate of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

²Professor of Department of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

³Associate Professor of Department of Arabic Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Cognitive linguistics is an approach that studies language based on individuals' experiences of the world, how it is understood, and how it is conceptualized, and conceptual metaphors are some of its important topics; from Lakoff and Johnson's point of view, these metaphors influence not only language but also thought and action in everyday life. The language of the Qur'an as a literary and religious text has various mechanisms by which abstract concepts can be explained. Resurrection is one of the important doctrinal issues that has been mentioned in the Holy Quran in various forms. The purpose of this article is to analyze the conceptual metaphors of the realm of resurrection in Surah An-Nāzi‘āt and understand the hidden concepts related to it and answer the questions of this article: What is the function of the conceptual metaphors of the realm of resurrection in Surah An-Nāzi‘āt? And which of the conceptual metaphors of the realm of resurrection has the most frequency in Surah An-Nāzi‘āt? The present article, based on a descriptive-analytical method and using library sources, came to the conclusion that embodying abstract concepts and making them more tangible is one of the most prominent functions of the conceptual metaphors of the Day of Resurrection in Surah An-Nāzi‘āt. Also, the highest frequency of conceptual metaphors in this surah is ontological metaphors.

Keywords: Cognitive Linguistics, Conceptual Metaphors, Resurrection, An-Nāzi‘āt.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<http://dx.doi.org/10.22108/NRGS.2022.130225.1684>

استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات

وفا محفوظی موسوی^۱، سیدحسین سیدی*^۲، امیر مقدم متقی^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

va.mahfouzimosavi@mail.um.ac.ir

۲- استاد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

seyedi@ferdowsi.um.ac.ir

۳- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

زبان‌شناسی شناختی، رویکردی است که به مطالعه زبان براساس تجربیات افراد از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی می‌پردازد و استعاره‌های مفهومی از مباحث مهم آن است؛ این استعاره‌ها از نگرگاه لیکاف و جانسون، در زندگی روزمره نه تنها در زبان، در اندیشه و عمل نیز نفوذ دارد. زبان قرآن به مثابه یک متن ادبی و دینی دارای سازوکارهای گوناگونی است که مفاهیم انتزاعی براساس آنها تبیین می‌شوند. قیامت از مسائل اعتقادی مهمی است که در قرآن کریم در اشکال مختلف از آن یاد شده است. هدف از این نوشتار، واکاوی استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات و درک مفاهیم نهفته مربوط به آن و پاسخ به پرسش‌های این نوشتار است که: کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات به چه صورتی است؟ و کدامیک از استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات بیشترین بسامد را دارد؟ نوشتار حاضر براساس روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه دست یافت که تجسم بخشیدن به مفاهیم انتزاعی و ملموس‌تر کردن آنها از برجسته‌ترین کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات است. همچنین، بیشترین بسامد استعاره‌های مفهومی در این سوره، استعاره‌های هستی‌شناختی است.

واژه‌های کلیدی

زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های مفهومی، قیامت، نازعات

۱. طرح مسئله

است که به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و

زبان‌شناسی شناختی رویکردی در مطالعه زبان تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. به عبارت

دیگر، در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود مطالعه زبان براساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی باشد؛ بنابراین، مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است (راسخ مهند، ۱۳۸۹ش، صص ۷-۸). زبان‌شناسی شناختی (Cognitive linguistics) یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی است و به‌طور عمده از دهه ۱۹۷۰ اوج گرفته و در حال حاضر به موضوعی برجسته برای پژوهش در زبان‌شناسی تبدیل شده است. این گرایش، دستاورد و مدیون پژوهش‌های سه زبان‌شناس مشهور بوده است: جورج لیکاف (George Lakoff) با کتاب‌هایی چون *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* (Metaphors We Live By)، *زنان، آتش و چیزهای خطرناک* (Women, Fire and Dangerous Thing) و لئو تالمی (Leo Talmy) با کتاب *به‌سوی معناشناسی شناختی* (Toward a Cognitive Semantics) و دیوید لانگاکر (Langacker, Ronald) در دستور شناختی با کتاب *مبانی دستور شناختی* (Foundations of Cognitive Grammar) (هوشنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

در زبان‌شناسی شناختی «زبان وسیله‌ای برای کشف ساختار و نظام شناختی ذهن در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، استعاره تنها یک صنعت ادبی و یک آرایه زیباشناختی نیست، بلکه روشی بنیادین است که انسان‌ها از طریق آن، جهان هستی را درک می‌کنند. در واقع، استعاره یک روش تفکر است که افراد با آن زندگی می‌کنند؛ در نتیجه، استعاره نه تنها در آثار ادبی، در زبان روزمره نیز نمود پیدا می‌کند که استعاره‌های زیباشناسانه و استعاره‌های زبان ادبی و شعر، زیرمجموعه‌ای از استعاره‌ها به حساب می‌آیند» (صباحی گراغانی، ۱۳۹۵ش، ص ۸۹)؛ بنابراین،

استعاره‌ها طبیعتی مفهومی دارند و در تجربیات هر روزه ما ریشه دارند. همچنین، مفاهیم انتزاعی بدون استعاره‌ها کامل نیستند. قرآن کریم به‌مثابه یک متن ادبی و دینی دارای سازوکارهای گوناگونی است که مفاهیم انتزاعی براساس آنها تبیین می‌شوند. استعاره‌های مفهومی از جمله این سازوکارها است که ساختار مفهومی خاصی را در شناساندن معارف هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اندیشه بشر دنبال می‌کنند و بیان‌کننده جهان‌بینی و ایدئولوژی قرآن هستند.

بنابراین زبان قرآن، از جمله متونی است که زبان‌شناسان آن را مطالعه کرده‌اند و استعاره یکی از سازوکارهای فرایند تفکر در مفاهیم انتزاعی آن است. استعاره در گذشته برای زیبایی و بلاغت کلام استفاده می‌شده است؛ اما استعاره‌های مفهومی به‌مثابه یکی از سازوکارهای ذهن برای تبیین مفاهیم انتزاعی در زبان‌شناسی است؛ بنابراین، برای خوانش متن قرآنی، توجه به این سازوکار جدید، ضروری است. همچنین، با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌ها از نگرش سنتی به این موضوع پرداخته‌اند، کندوکاو در این زمینه افق‌های جدیدتری در برابر ما می‌گشاید و بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد.

دانش زبان‌شناسی شناختی، از چند نظر در حوزه علوم اسلامی و تفسیر قرآن کریم اهمیت دارد: نخست، قرآن انسان را به تدبیر در آیات، فرا می‌خواند. به‌یقین، سودجستن از ابزار و دانش‌های جدید، نوعی تدبیر روشمند در آیات و از مصادیق برجسته آن است. دوم، این ابزار کمک می‌کند تا اندازه‌ای اسرار مفهوم‌سازی قرآنی به دست آیند و به همان صورت اصلی و بدون ارجاعشان به صورت‌های دیگر بررسی

شوند.

کلی این است که واژه‌ای در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده داشته باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق می‌شده است. سپس شاعر یا غیر شاعر این واژه را در غیر آن معنی اصلی به کار گیرد و این معنی را به آن لفظ منتقل سازد؛ انتقالی که نخست لازم نبوده و به مثابه عاریت است» (جرجانی، ۲۰۰۵م، ص ۳۱).

همچنین، استعاره به مثابه بُعدی از فصاحت و بلاغت قرآن کریم به شمار می‌رود و گونه‌ای از اعجاز لفظی است که در قالب ابزار زیبایی‌شناسی بررسی می‌شود و مختص کلمه است؛ از این رو، در دیدگاه معاصر، بر دیدگاه کلاسیک خُرده گرفته‌اند؛ برای مثال، لیکاف و جانسون به چهار فرضیه عمده کلاسیک که به زمان ارسطو باز می‌گردد، واکنش نشان دادند و آنها را نادرست می‌دانند: ماهیت استعاره را کلمه می‌دانند؛ اساس استعاره را شباهت می‌دانند؛ همه مفاهیم را حقیقی فرض می‌کند و استعاره را مربوط به بخش غیرحقیقی زبان می‌داند و سرانجام اینکه استعاره را یک تفکر عقلانی و خودآگاه قلمداد می‌کند، نه شیوه‌ای که با طبیعت ذهن و بدن‌های ما شکل گرفته است (Lakoff & Johnson, 2003, p. 244).

نظریه استعاره مفهومی به فرضیات فوق چنین پاسخ می‌دهد: کانون استعاره در مفهوم است، نه در کلمات. بنیان استعاره نه بر اساس شباهت که بر پایه ارتباط قلمروهای متقاطع هم‌زمان در تجربه انسان و درک شباهت‌های این حوزه‌ها شکل گرفته است. همچنین، بخش عمده نظام مفهومی ما استعاری است که شامل مفاهیم عمیق و پایداری چون زمان، رُخدادها، علل، اخلاق، ذهن و ... می‌شود. این مفاهیم به وسیله استعاره‌های چندگانه‌ای درک و فهمیده

سوم، زبان‌شناسی شناختی در تبیین اختلاف تعبیرها، توانایی‌های بسیاری دارد؛ از این رو، دستاورد آن برای تفسیر بسیار اهمیت دارد؛ زیرا نکات ظریف نهفته در تعبیرهای قرآنی را با تحلیل شناختی نشان می‌دهد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ش، صص ۲۱-۲۶).

روش پژوهش، کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی است. ابتدا آیات مدنظر جمع‌آوری شدند، سپس با استعاره‌های مفهومی تطبیق داده شدند. ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش، استعاره‌های ساختاری، جهتی و هستی‌شناختی بررسی شده‌اند و از پرداختن به استعاره‌های مفهومی تصویری و کلان‌استعاره‌ها به دلیل گستردگی آنها صرف‌نظر شده است. پرسش‌های این نوشتار عبارت‌اند از: ۱. کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات به چه صورت است؟ ۲. کدامیک از استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات بیشترین بسامد را دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

اندیشمندان و ادیبان از دیرباز به مبحث استعاره توجه داشته‌اند؛ ولی تاریخچه استعاره به زمان ارسطو باز می‌گردد که از آن در سطح اسم (نام) بحث می‌کرد. نظر ارسطو این بود که استعاره در اسم رخ می‌دهد: استفاده از یک اصطلاح عجیب و غریب (بیگانه) که یا از جنس منتقل می‌شود و برای نوع به کار می‌رود یا از نوع دیگر منتقل می‌شود یا به وسیله قیاس است (Aristotle, 1980, 1447b).

افرادی نیز در میان اندیشمندان مسلمان به مبحث استعاره پرداخته‌اند؛ عبدالقاهر جرجانی با تعریف دقیقی از استعاره بر این نظر است که «استعاره به‌طور

بیرون و از حوزه مبدأ «زندگی اشرافی» برای بیان مفهوم بهشت از درون استفاده شده است.

صباحی گراغانی و دیگران (۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره» رویکرد زبان‌شناسی شناختی «مفاهیمی چون زندگی، فهمیدن، انفاق و غیره را در سوره بقره مفهوم‌سازی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که استعاره در همه گفتمان سوره بقره حاضر است و حوزه‌های مبدأ غالباً عقلی هستند که از طریق نگاشت آنها با حوزه‌های ملموس، مفهوم‌سازی شده‌اند.

حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۶ش) در مقاله «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»، به تبیین عبارت استعاری رحمت الهی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که رحمت خداوند در زبان قرآن به گونه‌های مختلف مفهوم‌سازی شده است؛ گاهی در قالب استعاره جهتی به‌مثابه باران است، گاهی در قالب استعاره ساختاری، اموال و نفایس گران‌قیمت است و در گونه‌های دیگر به‌شکل مکان وسیع، بشارت‌دهنده، نعمت و غیره است و همه اینها قدرت و مالکیت خداوند متعال را نشان می‌دهند. مرتضی براتی (۱۳۹۶ش) در مقاله «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی» به بررسی جامع این نظریه پرداخته و بر این نظر است که استعاره در سطح اندیشه ایجاد می‌شود. او در بخش ارزیابی، نقدهایی را واکاوی کرده است که در زمینه نوع داده‌ها و نیز نتایج حاصل از داده‌ها وارد شده‌اند. عبدی چاری و هدایتی عزیزی (۱۴۰۰ش) در مقاله «تحلیل و بررسی استعاره‌های مفهومی آیات مربوط به قیامت» استعاره‌های مفهومی بعضی از آیات مربوط به قیامت را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر این استعاره‌ها مربوط به قیامت

می‌شوند که دارای مفهومی مستدل‌اند و سرانجام اینکه نظام مفهومی استعاره‌ها، اختیاری و دل‌بخواهی نیستند. اگرچه براساس دلایل گسترده، طبیعت مشترک جسم انسان و تجربه‌های مشترک وی با دیگران در شکل‌دهی استعاره‌ها مؤثر است (Ibid, p. 245).

مهم‌ترین نظریه مبحث نوین استعاره شناختی یا مفهومی، نظریه شناختی استعاره از جورج لیکاف زبان‌شناس و مارک جانسون فیلسوف است. نظریه معاصر استعاره، به‌طور مشخص در مقاله لیکاف به نام «نظریه معاصر استعاره» در سال ۱۹۹۲م مطرح شد؛ اگرچه پیش از آن، پژوهش‌هایی درباره مفهوم استعاره انجام شده بود. جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰م در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» دریچه جدیدی به مطالعات استعاره گشودند. در کشور ما نیز کتاب‌ها و مقاله‌هایی در این خصوص نگاشته شده است که به موارد زیر اشاره می‌شود:

گردزعفرانلو و حاجیان در مقاله «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» (۱۳۸۹ش) بعضی آیات قرآن را با توجه به رویکرد نظریه معاصر استعاره بررسی کرده‌اند و به بررسی تقابل‌های «بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون» در قرآن پرداختند تا دریابند چگونه مفاهیم انتزاعی قرآن، از طریق استعاره‌های جهتی آن معرفی شده‌اند.

رستمی شیرین‌آبادی (۱۳۹۵ش) در پایان‌نامه «استعاره‌های مفهومی بهشت در قرآن کریم» مفهوم انتزاعی بهشت را در دو بخش بهشت از بیرون و بهشت از درون بررسی کرده است و این نتیجه حاصل شد که از حوزه مبدأ «مکان» برای بیان مفهوم بهشت از

کبری است و از نوع استعاره‌های هستی‌شناختی‌اند.

۳. بخش نظری پژوهش

۱-۳- استعاره و اجزای آن

واژه «Metaphor» به معنای «استعاره» معادل واژه یونانی «Metaphora» (مشتق از Meta به معنای فرا و Pherein به معنای بردن) گرفته شده است. این واژه در عمل شامل گروه خاصی از فرایندهای زبانی است که در آنها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود و در آن از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

در زبان‌شناسی شناختی، استعاره را «فهم یک حوزه مفهومی بر حسب حوزه مفهومی دیگر تعریف می‌کند؛ مثل استفاده از تجربه زندگی یک شخص برای فهمیدن تجربه شخص دیگر. یک حوزه مفهومی می‌تواند هر سازمان منطقی از تجربه انسانی باشد. سرشت استعاره، درک تجربه چیزی در چارچوب چیز دیگر است (Lakoff and Johnson, 2003, p. 84).

درواقع، استعاره در ذهن و بین مفاهیم رُخ می‌دهد. استعاره یکی از ابزارهایی است که ذهن انسان برای مفهوم‌سازی جهان، پدیده‌ها، اشیا و تجارب خود در اختیار دارد (Ibid, p. 30). براساس نظریه استعاره مفهومی، مفاهیم مبدأ معمولاً از لحاظ تجربی واقعی‌اند و «ریشه در بدن» انسان دارند؛ در حالی که مفاهیم مقصد اغلب انتزاعی‌اند و مستقیماً تجربه‌پذیر و درک‌پذیر نیستند. براساس استدلال ساختار مفهومی، بیشتر مفاهیم استعاری هستند؛ از این رو، درک مفهومی ما نیز عمدتاً تابع ماهیت بدن ما و محیطی فیزیکی است که بدن در آن به فعالیت می‌پردازد. مطالعه مبنای

بدنی شناخت در انسان، شناخت بدن‌مند نامیده شده است (تیلور، ۱۳۹۶ش، صص ۸۲ و ۸۳).

هر حوزه مفهومی در استعاره مفهومی (Conceptual Metaphor) مجموعه منسجمی از تجربیات است؛ از این رو، ما به‌طور مثال، به پشتوانه مجموعه دانش منسجمی که درباره سفر در اختیار داریم، برای درک مفهوم زندگی از آن بهره می‌بریم (کووچش، ۱۳۹۳ش، ص ۱). یک استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن استعاره‌ها به‌عنوان ابزاری برای ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می‌کنند. آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود، حوزه مقصد می‌نامیم. هر حوزه مفهومی، مجموعه منسجمی از تجربیات است؛ از این رو، مثلاً ما به‌پشتوانه مجموعه دانش منسجمی که درباره سفر در اختیار داریم، برای درک مفهوم زندگی از آن بهره می‌بریم و نام‌نگاشت (زندگی سفر است) را به کار می‌بریم (همان، ص ۱۵).

لیکاف و جانسون برای بیان ارتباط بین حوزه مبدأ و حوزه مقصد از اصطلاح «نگاشت» (Mapping) استفاده می‌کنند. نگاشت، دستگاه منظمی از ارتباطاتی است که بین عناصر و اجزای سازنده حوزه مبدأ و مقصد وجود دارد. ارسطو استعاره را «نقل اسم چیزی بر چیز دیگر» می‌داند؛ اما لیکاف و جانسون آن را «نگاشت بین قلمروهای مفهومی می‌دانند». بسیاری از اجزای مفاهیم حوزه هدف و مقصد از حوزه‌های مبدأ ایجاد می‌شوند و از پیش وجود ندارند (براتی، ۱۳۹۶ش، صص ۶۲-۶۳). در کنار نگاشت، اصطلاح دیگری به نام «نام‌نگاشت» وجود دارد که لیکاف و

جانسون به‌عنوان راهبردی برای به‌خاطر آوردن نگاهت، از آن استفاده می‌کنند و چنین می‌گویند: «نام‌های یادافزایی نوعاً و البته نه همیشه دارای شکل حوزه مقصد، حوزه مبدأ است یا حوزه مقصد به‌مثابه حوزه مبدأ است که به آن «نام‌نگاشت» می‌گویند. به بیان دیگر، عبارت بیان‌کننده استعاره مفهومی را نام‌نگاشت می‌گویند» (Lakoff, 2006, p. 186).

بدین ترتیب، لیکاف در اصل استعاره را «نگاشت میان قلمروهای متناظر در نظام مفهومی» تعریف می‌کند و از این‌رو، هر نگاهت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی - و نه یک گزاره صرف - می‌داند. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه نظریه کلاسیک مطرح می‌کند، این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند و اساس آن بر روابط مفهومی دو حوزه مبدأ و مقصد استوار است. از این منظر، کار کلمات و عبارات، برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباطی است که در خلال آن موضوعات، ویژگی‌ها و روابط میان دو حوزه منتقل می‌شود (Lakoff, 2006, p. 186)؛ بنابراین، استعاره مفهومی صرفاً آرایه بلاغی نیست و حتی مختص زبان نیست که در اندیشه و نظام ادراک انسان ریشه دارد و در زندگی روزمره او جاری است و کارکردهای آن تأثیرگذار است. همچنین، با استفاده از تجربیات زندگی و امور حسّی، بین حوزه‌های مبدأ و حوزه‌های مقصد ارتباط، برقرار و مفاهیم انتزاعی تبیین می‌شود.

۳-۲- قیامت

لغت‌شناسان «القیامة» را مصدر از ماده {ق و م} در نظر گرفته‌اند. برخی بر این نظرند که مراد از «القیامة» ایستادن خلق در برابر خدا و منظور «یوم البعث» است

(فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۳؛ زهری، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۲۶۹). قیامت در لغت از قیام، خیزش و برخاستن است و در اصطلاح، برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ را قیامت گویند (ابن‌منظور، ۱۹۹۹، ج ۱۲، ص ۵۰۶). در قرآن کریم بیش از ۱۷۰ نام برای قیامت ذکر شده و معروف‌ترین آنها «یوم القیامة» است که هفتاد بار در قرآن ذکر شده است. در واقع، قیامت مفهومی انتزاعی به‌معنای رستاخیز بزرگ و عمومی انسان‌ها است و پدیده‌ای است که در آینده رخ می‌دهد؛ خداوند متعال در قرآن کریم بارها از وقوع حتمی قیامت خبر داده است. برخی آیات، دگرگونی این جهان به‌هنگام وقوع قیامت و برخی آیات، حوادث روز قیامت، صحنه داوری، تقسیم بندگان به بهشتیان و دوزخیان و ... را بیان کرده است. قیامت در مبحث استعاره‌های مفهومی، معمولاً به‌عنوان حوزه مقصد بررسی می‌شود.

۳-۳- گونه‌های استعاره‌های مفهومی

استعاره‌های مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون به سه نوع تقسیم می‌شوند

۳-۳-۱- استعاره ساختاری

در استعاره ساختاری، یک مفهوم برای ساخت چارچوب مفهوم دیگر به شکلی استعاری به کار می‌رود. استعاره‌های ساختاری، حوزه مقصد کاملاً مشخصی دارند و موجب می‌شوند حوزه مبدأ انتزاعی، سازماندهی شود (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ص ۲۵).

حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۶) استعاره ساختاری را موقعیتی با مفهومی نامشخص می‌دانند که با موقعیت و مفهومی با ابعاد مشخص فهمیده می‌شود و ساخت چارچوب مفهومی نامشخص با استفاده از امری

عصبانی می‌کند» اشاره می‌شود.

ب- استعاره‌های ظرف: در این گونه استعاره‌ها، ذهن انسان، پدیده‌ها و اشیای فاقد حجم و در نتیجه، فاقد درون و بیرون را دارای درون و بیرون فرض می‌کند؛ برای مثال، «او از کُما (اغما) خارج شد»، یا «ما تو در دسر افتادیم»، که «کُما» و «دردسر» پدیده‌هایی انتزاعی هستند و دارای درون و بیرون و حجم فرض شده‌اند.

ج- استعاره‌های شخصیت: در این نوع استعاره، پدیده‌های اجتماعی یا عواطف، یک شخص تصور می‌شوند. مانند این عبارت که «امید، او را نگه داشته است» (حسینی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، صص ۴۲-۳۳).

۴- بخش تطبیقی پژوهش

در این بخش از مقاله، پس از مطالعه آیات، دسته‌بندی می‌شوند و سپس طبق استعاره‌های مربوط، تحلیل و واکاوی می‌شوند.

۴-۱- استعاره‌های ساختاری

آیات استنادشده عبارت‌اند از

۴-۱-۱- یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶) تَبِعَهَا الرَّادِفَةُ (۷)

استعاره مفهومی: «آن روز که لرزنده بلرزد» (لرزیدن و در هم کوبیدن). نام‌نگاشت: رجا (ملموس)، حوزه مبدأ: رجا، راجفه. حوزه مقصد: قیامت کبری.

لرزش زمین یا زلزله برای مخاطب، امری ملموس و عینی است؛ اما حادثه قیامت، حادثه‌ای است که حس نمی‌شود و در واقع مفهومی انتزاعی و غیرملموس است که با کمک حوزه مبدأ حوزه مقصد مشخص می‌شود.

معنای اینکه درباره قیامت فرمود: در «یوم ترجف

مشخص و منظم صورت می‌گیرد. در استعاره ساختاری، انتقال ساختار دقیق از حوزه مبدأ به ساختار مفهوم انتزاعی انجام می‌پذیرد (حسینی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۴).

۲-۳-۳- استعاره جهت

در این نوع استعاره، یک مفهوم استعاری براساس مفهوم دیگر ساختار نمی‌یابد؛ بلکه نظام کاملی از مفاهیم با توجه به یک نظام کامل دیگر سازمان‌دهی می‌شود. این نوع استعاره‌ها استعاره‌های جهتی نامیده می‌شوند؛ زیرا بسیاری از آنها با جهت‌های مکانی بالا-پایین، درون-بیرون، دور-نزدیک و غیره سروکار دارند (Lakoff & Jahnson, 2003, p29).

۳-۳-۳- استعاره هستی‌شناختی

تجربه ما از اجسام و اشیاء، مبنایی را فراهم می‌کند تا گستره بسیار وسیع و متنوعی از استعاره‌های هستی‌شناختی شکل گیرد. این استعاره‌ها اهداف گوناگونی را محقق می‌کنند و انواع مختلف آنها، بازتاب اهداف محقق‌شده هستند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ص ۲۳).

از نظر لیکاف و جانسون، استعاره هستی‌شناختی، سه نوع است:

الف- استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی (Entity/ Substance Metaphors)؛ ب- استعاره‌های ظرف (Container Metaphors)؛ ج- استعاره‌های شخصیت (Personification Metaphors).

الف- استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی: در این نوع استعاره هستی‌شناختی، ارزش پدیده‌ای به مفهومی انتزاعی داده می‌شود؛ برای مثال، به عبارت «تورم، مرا

الراجفه تتبعها الرادفة»، کلمه «راجفه» به صیحه‌های عظیمی تفسیر می‌شود که در آن تردد و اضطرابی باشد و کلمه «رادفه» به صیحه متأخر تابع تفسیر شده است؛ در نتیجه، بنابر این تفسیر، دو آیه بحث‌شده با دو نفخه صورت تطبیق می‌شود که آیه زیر هم بر آنها دلالت دارد و می‌فرماید: «و نفخ فی الصّور فصعق من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون» (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۲۹۹)؛ بنابراین، «راجفه» به عنوان حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه مقصد، یعنی همان قیامت، نگاشت شده است.

۴-۱-۲- آیه «إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخْرَةً (۱۱)»

استعاره مفهومی: قیامت، زنده‌شدن است. نام‌نگاشت: قیامت، بازگشت دوباره است. حوزه مبدأ: بازگشت دوباره. حوزه مقصد: قیامت.

نخره به معنای پوسیده و پراکنده است (قرشی، ج ۷، ص ۳۷). معنی دوم نخر در صورتی خود را می‌نمایاند که با فاعلی چون انسان و حیوان و به‌طور کلی هر چیزی که بینی داشته باشد، هم‌جلیس شود؛ زیرا معنی دوم نخر، صدا و نفس را در بینی کشیدن یا همان خرخرکردن است (ابن‌منظور، ج ۵، ص ۱۹۸). همچنین «نخره»، "صفت مشبهه" است از ماده "نخر" بر وزن "نخل" و همچنین، بر وزن "شجر" در اصل به معنی درخت پوسیده و توخالی است که وقتی باد بر آن می‌وزد، صدا می‌کند و بنابراین، به صدایی که در بینی می‌پیچد "نخیر" می‌گویند. سپس این کلمه درباره هر موجود پوسیده و متلاشی‌شده به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۸۴).

البته عده‌ای از قراء، این آیه را به‌صورت دیگری

نیز خوانده‌اند: «عظاما ناخره» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۸۹) و تفاوت ایجادشده در معنی، این است که نخره جمع نخر به معنی پوسیده و ناخره به معنی سوراخ و میان‌تهی است (همان). همچنین، «نخره» را استخوان پوسیده‌ای معنی کرده‌اند که با اندک فشاری از هم بپاشد (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۷۳). همچنین، وجود حرف «خاء» در «نَخْرَةً» یادآور مخرج حرف «خاء» است و حرف «خاء» صفت همس و رخاوت و سستی را دارد و به هنگام تلفظ این حرف، صوت جریان می‌یابد. با توجه به بافت آیه و معنای واژه «نَخْرَةً» و صفات حرف «خاء»، اسناد واژه «نَخْرَةً» به «عِظَامًا» صفت سست و پوسیده‌بودن استخوان‌ها را تقویت کرده و این استخوان‌های سست و پوسیده و پراکنده، در روز قیامت به اذن خداوند متعال زنده خواهند شد که این نشانه قدرت خداوند است.

۴-۱-۳- آیه «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)» و به‌ناگاه آنان

در زمین هموار خواهند بود.

استعاره مفهومی: انسان‌ها در جایگاه قیامت قرار می‌گیرند. نام‌نگاشت: قیامت، بیداری است. حوزه مبدأ: بیداری. حوزه مقصد: قیامت.

«سهر» (به فتح اول و دوم) به معنی بیدارماندن در شب است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۴۵). در مجمع آمده است: عرب زمین بیابان را ساهره گوید؛ یعنی محل بیداری که از خوف در آن بیدار می‌مانند. به‌قولی، ارض قیامت ساهره نامیده شده که آن موقف جزاست و مردم در آن پیوسته بیدارند و خواب ندارند. این سخن بسیار به‌جاست؛ یعنی: وقوع قیامت فقط یک تکان و یک صیحه است. آنگاه مردم در روی زمین قرار می‌گیرند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۴۵).

است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۸۱). همچنین، عذاب آخرت از این نظر نکال خوانده شده که یکی از آثارش این است که هر کس آن را بشنود، از هر عملی که او را بدان گرفتار سازد، خودداری می‌کند؛ همچنان که عذاب استیصال و انقراض در دنیا هم به همین سبب نکال خوانده می‌شود (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۶).

آیه یادشده مربوط به داستان سرکشی و طغیان فرعون است و گویای این مطلب است که عذاب و کیفر انسان‌ها هم در این دنیا رُخ می‌دهد و هم در آخرت. با استفاده از مفهوم ملموس‌تر حوزه مبدأ، به مفهوم حوزه مقصد، بیشتر پی برده می‌شود؛ کلمه «نکال یا آزار و اذیت شدید» به‌عنوان حوزه مبدأ، بر حوزه مقصد «عذاب دنیا و آخرت» نگاشت شده است.

۴-۱-۵- آیه «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)»

استعاره مفهومی، «روز قیامت، روز یادآوری اعمال نیک و بد بندگان است». نام‌نگاشت: «قیامت، روز یادآوری است». حوزه مبدأ: روز یادآوری، حوزه مقصد: یوم یا همان روز قیامت است.

به تعبیر ابن‌عاشور، روزی که به انسان، یادآوری و متذکر می‌شود، بدین معناست که اعمال او بر او عرضه می‌شود و او بدانها اعتراف می‌کند؛ زیرا هدف از یادآوری چیزی جز تأثیر آن نیست و آن کیفر است؛ بنابراین، یادآوری و تذکر را به کیفر کنایه کرده است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۹۰).

با استفاده از مفهوم ملموس‌تر یادآوری و تذکر، روز قیامت را مفهوم‌سازی کرده است. به‌عبارتی، روز یادآوری یا قیامت، روز کیفر اعمال کافران است؛ ولی روز یادآوری اعمال مؤمنان نیز هست و در آن روز،

برخی ساهره را زمینی ذکر کرده‌اند که به‌صورت پیوسته و شبانه‌روز درحال رویاندن گیاه است و گویی خواب ندارد و همیشه بیدار است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۹). مصطفوی بر این نظر است که ساهره عالمی غیر از عالم ماده است که در آن قوا و تمایلات انسانی برقرار نیست. زمانی که مرگ، انسان را در بر می‌گیرد، گویی بیدار می‌شود و در عالم آخر حجاب‌های مادی کنار می‌رود و انسان با باطن و حقایق اعمالش مواجه می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۹۷). صاحب‌التحقیق براساس این تعریف از فعل سهر بیان می‌کند که منظور از الساهره در آیه شریفه، زمین قیامت نیست؛ زیرا اصلاً در آن دنیا زمین بدین شکل وجود ندارد؛ بلکه او ساهره را محیط و مقامی می‌داند که در آن خواب و غفلت راه ندارد؛ بنابراین، قیامت جایگاهی است که مردم در آن بیدار می‌شوند و از حقایق آخرت آگاه می‌شوند. همچنین، در این آیه، «سهر» یا «بیداری» به زمین اسناد داده شده و این اسناد، مجاز عقلی است (الدرویش، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۶۵).

از آنچه گفته شد، نام‌نگاشت قیامت، یعنی بیداری استنباط می‌شود. در این نام‌نگاشت، تناظرهای حوزه مبدأ بیداری بر حوزه مقصد قیامت نگاشت شده است.

۴-۱-۶- آیه «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)»

استعاره مفهومی: عذاب هم در دنیا و هم در آخرت است. نام‌نگاشت: عذاب همان کیفر است. حوزه مبدأ: عذاب و شکنجه. حوزه مقصد: کیفر.

نکال به‌معنی آزار شدید واردکردن به دیگری با توهین کردن و ناسزاگفتن است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۸۱). منظور از «نکال الآخرة» عذاب جهنم

پاداش اعمال خود را می‌بینند که در پی آن کوشیده بودند. هدف از مفهوم‌سازی استعاری دو آیه بالا، جدایی میان مؤمنان و کافران به نسبت اعمالشان است.

۴-۱-۶- آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)» استعاره مفهومی: وقوع زمان رستاخیز چه روزی است؟ نام‌نگاشت: زمان به‌مثابه شیء است. حوزه مبدأ: مُرسی (لنگرگاه). حوزه مقصد: زمان وقوع قیامت.

موضوع این آیه، زمان دقیق وقوع قیامت است. این زمان در قالب کشتی سرگردان تصویرسازی شده است. همچنین، ساخت واژه کلمه «مُرسی» اسم زمان، مکان یا مصدر است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۷۰۹). به سبب اینکه زمان، در مثال یادشده کشتی است، واژه مُرسی نیز اسم مکان در نظر گرفته می‌شود. نامعلوم بودن وقوع آن روز در قالب کشتی، سرگردانی مفهوم‌سازی شده است که موعده قرارگرفتنش در لنگرگاه بر مردم پوشیده است (نظری، ۱۳۹۹، ص ۴۲). حوزه مبدأ اسم مکان در نظر گرفته شده است. حوزه مقصد یا همان قیامت به‌مثابه چیزی است که موعده قرارگرفتنش در جایی، پوشیده است.

همچنین، کلمه «مُرسی» مصدر میمی است و به معنای اثبات و برقرار کردن است و جمله «ایان مرسیها» ایبانی است برای کلمه «یسئلونک» و می‌فهماند سؤال منکرین قیامت و مسخره‌کنندگان قیامت این بود که چه زمانی اثبات و برقرار می‌شود و خلاصه چه زمانی قیامت به‌پا می‌شود (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۷). در اینجا نیز حوزه مبدأ، مفهومی مانند زمان است و حوزه مقصد، زمان برپایی قیامت است. به‌کارگیری «ایان» در پرسش از زمان آن، به تصویر، بیم

و عظمت می‌بخشد.

۴-۱-۷- «كَانَ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)»

استعاره مفهومی: زمان برپایی روز قیامت، نزدیک است. نام‌نگاشت: کوتاهی زمان قیامت. حوزه مبدأ: درنگ کردن به اندازه یک شب یا یک روز. حوزه مقصد: برپایی روز قیامت.

این جمله نزدیک بودن زمان قیامت را در قالب یک تمثیل و تشبیه بیان می‌کند و می‌فرماید: نزدیکی قیامت به زندگی دنیایشان طوری است که مثل آنان در هنگام دیدن قیامت مثل خود آنان است؛ در آن فرض که بعد از گذشتن یک شب یا یک نصف روز از مردنشان دوباره زنده شوند، در آن صورت چه می‌گویند؟ می‌گویند: بعد از مردن بیش از یک شب نگذشت که دوباره زنده شدیم، و خلاصه فاصله بین مردن و قیامت را مدت‌زمانی احساس می‌کنند که نسبتش با روز و شب‌های گذشته عمرشان نسبت یک شب یا یک ظهر را دارد (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۰، ص ۳۲۰). کافران به هنگام برخاستن از قبرها، با دیدن روز قیامت، خیال می‌کنند جز یک شب یا نصف روز بیشتر درنگ نکرده‌اند که در اینجا با استفاده از حوزه مفهومی مبدأ که آن درنگ کردن به اندازه یک شب یا یک روز است، به حوزه مفهومی مقصد، یعنی همان کوتاهی زمان برپایی قیامت، پی می‌بریم و مفهوم کوتاهی برانگیختن بر این دو حوزه نگاشت می‌شود.

مفهوم روز قیامت، انتزاعی است و دیدن آن هم قطعاً از طریق دیدن لوازم آن از قبیل برخاستن از قبرها، ایستادن در برابر خداوند، پاسخگوبودن در برابر اعمال، مشاهده ثواب یا عقاب اعمال خود و درنهایت، رفتن

هولناک آن روز را بهتر درک کرد.

۴-۲-۱-۲-۴ آیه «أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ» (۹)

استعاره مفهومی: دیدگان آنها خوار و زبون است. نام‌نگاشت: خوار و ذلیل شدن کافران در روز قیامت. حوزه مبدأ: دیدگان خوار و ذلیل. حوزه مقصد: کافران. «أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ» یعنی دیدگان از هول و بیم این روز، خوار و زبون است. عطاء گوید: مقصود دیدگان افرادی است که به غیر دین اسلام مرده‌اند (الطبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۵۴). در این استعاره ساختاری، حوزه مفهومی عینی و مشخص که همان دیدگان است، بر حوزه مفهومی مقصد، یعنی افراد کافر و مشرک نگاشت شده و با استفاده از کلمه «خاشعه» به توصیف آنان پرداخته و وضعیت آنها را در روز قیامت مشخص کرده است. در واقع، صفات و ویژگی‌های انسان را به اعضای بدن داده است نه خود انسان؛ اما برای درک مفاهیم انتزاعی، به تصویرسازی استعاری پرداخته است. دیدگان کافران در روز قیامت، از شدت ترس و وحشت این روز، خوار و زبون است.

۴-۲-۱-۳-۴ آیه «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ» (۱۳)

استعاره مفهومی: «نفسه صور اسرافیل، مردگان را زنده می‌کند». نام‌نگاشت: زنده شدن مردگان. حوزه مبدأ: دمیدن صور اسرافیل. حوزه مقصد: حیات مجدد در روز قیامت.

«الزجر» در لغت منع کردن و نهی کردن و نهیب زدن است (ابن منظور، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۳۱۸). و در اینجا از آن به قدرت خداوند در بازآفرینی اجساد انسان‌های مُرده تعبیر شده است تا تصویری از مفهوم قدرت او بر سرعت تشکیل آنها به دست آید (ابن‌عاشور،

به بهشت یا جهنم است. در این آیه، کافران که منکر وقوع قیامت بوده‌اند، با مشاهده برپایی روز قیامت، تصور کردند زمان درنگشان در دنیا جز یک شب یا یک روز نبوده است؛ ولی اینگونه نبوده است.

۴-۲- استعاره‌های هستی‌شناختی

انواع استعاره‌های هستی‌شناختی شامل استعاره‌های پدیده‌ای، استعاره‌های شخصیت و استعاره‌های ظرف ذکر شدند؛ در ادامه، نمونه‌های یافت‌شده شرح داده شده‌اند:

۴-۲-۱- استعاره شخصیت

۴-۲-۱-۱- آیه «قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ» (۸)

استعاره مفهومی: دل‌ها روز قیامت سخت ترسیده‌اند. نام‌نگاشت: انسان‌های هراسان از روز قیامت. حوزه مبدأ: دل‌های هراسان. حوزه مقصد: انسان‌های هراسان.

طبرسی به نقل از ابن‌عباس می‌گوید: معنای واجفه، خائفه است؛ یعنی ترسناک و مقصود از این، صاحبان قلوب است؛ یعنی دل‌ها در قلق و اضطراب و پریشانی است و هیچ آسایش ندارد؛ زیرا منازل هولناک قیامت را مشاهده می‌کند (الطبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۵۴). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در استعاره شخصیت، به پدیده‌ها جان داده می‌شود. در این آیه، دل‌های هراسان، استعاره از انسان‌هایی است که در روز قیامت به سبب دیدن احوال قیامت دچار ترس و هراس شده‌اند. حوزه مبدأ همان دل‌های هراسان است که بر حوزه مقصد نگاشت شده است. بدین ترتیب می‌توان حوزه مقصد را درک کرد و حالات روانی مشرکان و منکران را در روز قیامت تصور کرد و فضای سنگین و

۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۲).

۴-۲-۱-۵- «وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ» (۳۶)

استعاره مفهومی: جهنم آشکار می‌شود. نام‌نگاشت: آشکارشدن جهنم. حوزه مبدأ: آشکارشدن و دیده‌شدن. حوزه مقصد: جهنم.

از ظاهر آیه برمی‌آید که جهنم قبل از روز قیامت خلق می‌شود، تنها در روز قیامت با کشف پرده ظاهر می‌شود و مردم آن را می‌بینند (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰).

گویی که جهنم در برابر دیدگان پنهان و غیرقابل دیدن بوده است. سپس مانند یک شیء یا یک انسان، قابل دیدن می‌شود. پس مفهوم انتزاعی جهنم با مفهومی ملموس‌تر درک می‌شود. طبیعتاً مفاهیم انتزاعی دارای جسم یا شکل خاصی نیستند که بتوان آنها را توصیف کرد؛ اما با شخصیت‌بخشی و انسان‌انگاری این مفاهیم، ملموس و درک‌پذیر می‌شوند.

۴-۳- استعاره پدیده‌ای

۴-۳-۱- آیه «فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (۳۹)

استعاره مفهومی: جهنم جایگاه مشرکان است. نام‌نگاشت: جهنم جایگاه مشرکان. حوزه مبدأ: مأوی یا جایگاه. حوزه مقصد: جهنم.

جحیم همان جهنم است؛ جحیم، هر آتش بزرگ و وسیعی است که در گودالی عمیق باشد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۹۰). جهنم مفهومی انتزاعی است و عینی نیست. با توجه به اینکه مخاطب هیچ ذهنیتی از آن ندارد، چپستی و ماهیت آن تصورپذیر نیست؛ در نتیجه، از طریق مفهومی عینی برای مخاطب مفهوم‌سازی می‌شود تا درک‌پذیر شود. این مفهوم عینی، کلمه «المأوی» است. «مأوی به معنی منزل و مکان است» (ابن‌منظور، ۱۹۹۹، ج ۱۴، ص ۵۲)؛

کلمه «زجر» به معنای طردکردن کسی با آواز و نهیب است و اگر نفخه دَوم را زجره خوانده است، به این دلیل بوده که انسان با این نهیب از پدیداری مرگ به پدیداری حیات و از باطن زمین به روی زمین منتقل می‌شود (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۲)؛ بنابراین، از طریق حوزه مبدأ «صور اسرافیل»، حوزه مقصد «حیات مجدد» برای ما مفهوم‌سازی استعاری می‌شود. با دمیدن صور اسرافیل، انسان‌ها دوباره سر از خاک بر می‌دارند و حیاتی دوباره شکل می‌گیرد.

۴-۲-۱-۴- آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ» (۳۴)

استعاره مفهومی: حوادث هولناک همه‌چیز را در خود فرو می‌برد و با ترس و وحشتی که دارد، بر همه غالب می‌شود. نام‌نگاشت: غلبه‌یافتن، حوزه مبدأ: الطامه الکبری، حوزه مقصد: قیامت کبری است.

در این آیه، قیامت، یعنی همان الطامه الکبری به شکل یک شیء مجسم شده است که همه‌چیز را دربرگرفته است. همچنین، وقوع قیامت در این استعاره با افعال حرکتی جاء مفهوم‌سازی شده و کاربرد افعال آتی و جاء در جملات استعاره‌ای، استعاره از ظهور و حصول است، بعد از اینکه امکان حصول نبوده است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۳۰۴). مفهوم‌سازی وقوع قیامت در حوزه مقصد با فعل حرکتی آتی یا جاء، دلیل بر ظهور حتمی آن در عالم خارج و حاصل‌شدن نتایجی است که وقوع قیامت از ظهور دارد و این پاسخی است به مشرکان که قیامت را امری محال می‌دانستند (حجازی، ۱۳۹۹، ص ۴۱)؛ بنابراین، قیامت مانند یک موجود جاندار دارای حرکت است و انسان‌ها را دربرگرفته است.

در استعاره ظرف، پدیده‌ها یا اشیای فاقد درون و بیرون، واجد درون و بیرون فرض می‌شوند؛ برای مثال، روز، پدیده‌ای است که چارچوب مشخصی ندارد و قرارگرفتن انسان‌ها درون یک روز معین، روز قیامت را برای ما به شکل استعاره ظرف، مفهوم‌سازی می‌کند و درواقع، قرآن کریم با تصویرسازی استعاری و انسجام میان آیات در مفهوم‌سازی روز قیامت و روز یادآوری اعمال افراد، هدف دینی خود را به مخاطب القا می‌کند.

۴-۵- استعاره جهتی

۴-۵-۱- «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴)»

در مجمع‌البیان می‌گوید: کلمه «طامه» به معنای عالیه و غالبه است. وقتی گفته می‌شود این بزرگ‌تر از آن است، معنایش این است که از آن عالی‌تر است (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۹). و بنا به گفته او، طامه کبری همان قیامت است؛ چون قیامت حادثه‌ای است که از هر حادثه دیگری برتر است و بر هر حادثه‌ای غالب است و این معنای کبری بودن طامه قیامت است (همان). با این مقدمه، از استعاره مفهومی «روز قیامت بزرگ‌تر از هر حادثه‌ای است»، نام‌نگاشت بیشتر، بالاتر است، نتیجه گرفته می‌شود. درواقع، با توجه به اینکه حادثه روز قیامت از هر حادثه‌ای بزرگ‌تر است، اهمیت آن بالاتر از هر چیز در این دنیا است و درنتیجه، استعاره جهتی بالا بر مفهوم استعاری قیامت، نگاشت می‌شود.

۴-۵-۲- «فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

(۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹)»

استعاره مفهومی: جهنم جایگاه مشرکان و سرکشان

بنابراین، جهنم که مفهومی انتزاعی است، جسمیت یافته و به شکل مکانی برای استقرار مفهوم‌سازی استعاری شده است. درواقع، جهنم مانند یک پدیده مادی، تصویرسازی شده و مفهوم جایگاه و محل استقرار بر آن نگاشت یافته است. این شکل اندیشگی، بر شکل زبانی غالب می‌شود و مخاطب را به تفکر و اندیشه وا می‌دارد.

۴-۳-۲- «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)»

استعاره مفهومی: بهشت جایگاه پارسایان است. نام‌نگاشت: بهشت جایگاه است. حوزه مبدأ: جایگاه. حوزه مقصد: بهشت.

بهشت نیز مانند جهنم، یک مکان است. در این استعاره، با به‌کارگیری واژه ملموس‌تر و درک‌پذیر جایگاه به مفهوم انتزاعی بهشت بیشتر واقف می‌شویم. در این آیه نیز، بهشت مانند یک پدیده مادی، مفهوم‌سازی استعاری می‌شود تا در ذهن مخاطب ملموس‌تر جلوه کند.

۴-۴- استعاره ظرف

۴-۴-۱- آیه «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)»

استعاره مفهومی: روز قیامت روز یادآوری برای انسان‌هاست. حوزه مبدأ: یوم. حوزه مقصد: روز قیامت. نام‌نگاشت: قرارگرفتن انسان‌ها در روزی به‌نام قیامت.

کلمه «یوم» ظرف برای آمدن طامه کبری و «سعی» به معنای عمل جدی است (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰). درواقع، روز قیامت همچون ظرفی انسان‌ها را دربرگرفته است و در آن روز، انسان‌ها اعمالشان را به یاد می‌آورند.

است. نام‌نگاشت: جهنم پایین مرتبه است. حوزه مبدأ: جایگاه پایین مرتبه. حوزه مقصد: جهنم. در این آیه، اهل جهنم که اینگونه توصیف شده‌اند، در مرتبه پایینی قرار می‌گیرند و جهنم در اینجا به دلیل صاحبانش، دارای مرتبه پایینی است و استعاره جهتی پایین بر آن صدق می‌کند.

۴-۵-۳- «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)»

استعاره مفهومی: بهشت جایگاه پارسایان است. نام‌نگاشت: بهشت جایگاه (والا مرتبه‌ای) است. حوزه مبدأ: جایگاه. حوزه مقصد: بهشت.

تقوا و بازداری نفس از گناه از مفاهیم والای قرآنی است که در این آیه، بهشت، پاداش پارسایان بیان شده است. با توجه به اوصاف پارسایان، استعاره جهتی بالا استنباط می‌شود که در این آیه، بهشت، استعاره جهتی بالا به‌شمار می‌رود.

نتیجه

با بررسی شواهد قرآنی، کارآمدی نظریه نوین استعاره در متون دینی، از جمله قرآن کریم، به‌خوبی نمایان است. واکاوی مفاهیم استعاره‌ای این سوره با محور قیامت، ترجمه و تفسیر دقیق‌تر آیات را موجب می‌شود. در استعاره ساختاری، کلمه «راجفه» به‌عنوان حوزه مبدأ، بر حوزه مقصد قیامت و حوزه مبدأ «نکال یا آزار و اذیت شدید»، بر حوزه مقصد «عذاب دنیا و آخرت» نگاشت شده است. در آیه «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)» نیز با استفاده از مفهوم ملموس‌تر یادآوری و تذکر، روز قیامت را مفهوم‌سازی استعاره‌ای کرده و در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

(۴۲)» با استفاده از کلمه «مُرسی»، حوزه مفهومی زمان برپایی قیامت تبیین شده است. همچنین، در آیه «كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)» حوزه مفهومی مبدأ که آن درنگ کردن به اندازه یک شب یا یک روز است، بر حوزه مفهومی مقصد، یعنی همان کوتاهی زمان برپایی قیامت، نگاشت می‌شود.

استعاره‌های هستی‌شناختی در آیات زیر تطبیق‌پذیر بودند:

در استعاره شخصیت، آیات «فُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)، أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)، فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)، فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴)، وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶)» مفاهیم انتزاعی دارای جسم یا شکل خاصی نیستند که توصیف شوند؛ اما با شخصیت‌بخشی و انسان‌نگاری این مفاهیم، ملموس و درک‌پذیر می‌شوند.

در استعاره پدیده‌ای، آیات «فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۳۹)» و «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)» بررسی شدند و این نتیجه حاصل شد که «جهنم» و «بهشت» مانند یک پدیده مادی، مفهوم‌سازی استعاره‌ای شدند تا در ذهن مخاطب ملموس‌تر جلوه کنند.

در استعاره ظرف، آیه «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)» کلمه یوم پدیده‌ای است که چارچوب مشخصی ندارد و قرارگرفتن انسان‌ها درون یک روز معین، روز قیامت را برای ما به شکل استعاره ظرف، مفهوم‌سازی می‌کند.

استعاره دیگر، استعاره جهتی است که در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴)» نمود یافته و با توجه به اینکه حادثه قیامت از هر حادثه‌ای بزرگ‌تر است، اهمیت آن بالاتر از هر چیز در این دنیا است؛ در نتیجه، استعاره جهتی بالا بر مفهوم استعاره قیامت، نگاشت

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. تحقیق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم.

الدرویش، محی‌الدین. (بی تا). *إعراب القرآن الکریم و بیانه*. سوریا: الیمامه للطباعه والنشر والتوزیع.

راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹ش). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.

الطباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: إسماعیلیان.

الطبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م). *تفسیر مجمع‌البیان*. تحقیق و تعلیق: لجنة من العلماء و المحققین الأخصائیین. لبنان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). *مجمع‌البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *کتاب‌العین*. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۶). *تفسیر نور*. چاپ سوم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کووچش، زلتان. (۱۳۹۳ش). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

می‌شود. همچنین، جهنم استعاره جهتی پایین و بهشت استعاره جهتی بالا را نشان می‌دهد که به دلیل بار معنایی این مفاهیم است. بدین ترتیب، با تصویرسازی استعاری و انسجام میان آیات، مفهوم انتزاعی قیامت، مفهوم‌سازی و به مخاطب القا می‌شود؛ بنابراین، با بررسی استعاره‌ها می‌توان گفت از برجسته‌ترین کارکرد استعاره‌های مفهومی حوزه قیامت در سوره نازعات، تجسم‌بخشیدن به مفاهیم انتزاعی و ملموس‌ترکردن آنها است که در پی آن، درک مفاهیم ذهنی و انتزاعی برای مخاطب آسان‌تر خواهد بود. همچنین، بیشترین بسامد استعاره‌های مفهومی در این سوره، استعاره‌های هستی‌شناختی است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن‌عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحرير و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

ابن‌فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. چاپ اول. تهران: انتشارات اسلامی.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۹۹م). *لسان‌العرب*. چاپ اول. بیروت: نشر دارصادر.

أزهري، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تیلور، جان‌آر و جانت، لیتمور. (۱۳۹۶ش). *راهنمای زبان‌شناسی شناختی*. مترجمان: وجیهه و نجمه قرشی. تهران: نشر نویسه پارسه.

جرجانی، عبدالقاهر. (۲۰۰۵). *اسرارالبلاغه*. به کوشش محمد اسکندرانی و م. مسعود. بیروت: دارالکتب العربی.

Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research, 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1420AH). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Arab History Institute.

Ibn Faris, Ahmad. (1404AH). *Mujam Magharryis al-Lughah*. First Edition. Tehran: Islamic Press.

Ibn Manzur, Muhammad bin Mukram. (1999). *Lisan al-Arab*. First Edition. Beirut: Dar Sadir Press.

Azhari, Muhammad ibn Ahmad. (1421 AH). *Tahdhib al-Lugha*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Turath Al-Arabi.

Taylor, Janar and Janet, Lithmore. (2017). *Cognitive Linguistics Guide*. Translated by Wajih and Najmeh Qarashi. Tehran: Parseh Neviseh Press.

Jurjani, Abdul Qahir. (2005). *Asrar al-Balaghah*. Investigated by Mohammad Eskandarani and M. Masoud. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Johari, Ismail bin Hamad. (1376 AH). *Al-Sihah*. Investigated by Ahmad Abdul Ghafur Attar. Beirut: Dar Al-Ilm.

Al-Darwish, Muhyiddin. (n.d). *I'rab al-Quran wa Bayanuh*. Syria: al-Yamamah for printing, publishing and distribution.

Rasikh Muhannad, Muhammad. (2010). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: Samt.

Al-Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein. (2011AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Ismailian.

Al-Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. (1415 AH / 1995). *Interpretation of Majmah al-Bayan*. Investigated by a Group of Scholars and Specialized Researchers. Lebanon, Beirut: Al-Alami Institute for Publications.

Tureihi, Fakhreddin. (1996). *Majmah al-Bahrain*. Tehran: Murtazavi Bookstore.

Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1410 AH). *Kitab al-Ain*. Second Edition. Qom: Hijrat Press.

Qaemunia, Alireza. (2011). *Cognitive Semantics of the Quran*. Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.

Qara'ati, Muhsin. (2007). *Interpretation of*

هاوکس، ترنس. (۱۳۸۰ش). «استعاره» ترجمه

فرزانه طاهری. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.

مقالات:

براتی، مرتضی. (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی نظریه

استعاره مفهومی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات

زبانی و بلاغی، ۱۶، ۵۱-۸۴.

حجازی، سیده شیرین، پروین، بهارزاده و آذیتا

افراشی. (۱۳۹۹). مقایسه تحلیلی استعاره‌های مفهومی

در قرآن کریم و اشعار عصر نزول. پژوهش‌های ادبی

-قرآنی، ۲، ۲۵-۴۷.

حسینی، سیده مطهره و علیرضا قائمی‌نیا. (۱۳۹۶).

استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم. ذهن، ۶۹،

۲۷-۵۲.

صباحی گراغانی، حمید، حیدریان شهری،

احمدرضا و عبدالرضا محمدحسین زاده. (۱۳۹۵).

بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره (رویکرد

زبان‌شناسی شناختی). نشریه ادب و زبان، ۳۹، ۱۰۷-۸۵

نظری، راضیه و سید محمد موسوی بفرولی.

(۱۳۹۹). بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی

اسماء زمان در قرآن کریم. پژوهش‌های زبان‌شناختی

قرآن، ۱، ۳۳-۴۸.

هوشنگی، حسین و محمود سیفی پرگو.

(۱۳۸۸ش). استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر

زبان‌شناسی شناختی. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن

کریم، ۳، ۳۴-۹.

Aristotle. (1982). *Poetics*, Trans. By W. Hamilton Fyfe, Cambridge.

Lakoff, George & Johnson, Mark. (2003). *Metaphors We Live By*, The University of Chicago Press.

Lakoff, George. (2006). "The contemporary theory of Metaphor", In Geerarts Dirk (Ed.)

- Chicago Press.
- Lakoff, George. (2006). "The Contemporary Theory of Metaphor", In Geerarts Dirk (Ed.) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research, 34)*. Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.
- Noor. Third Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons of the Quran.
- Qurashi, Sayyid Ali Akbar. (1992). *Quran Dictionary*. Tehran: Islamic Library.
- koch, Zoltan. (2014). *A Practical Introduction to Metaphor*. Translated by Shirin Poorabrahim. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanity Books (Samt).
- Mustafavi, Hasan. (1981). *Researches in the Words of the Holy Quran*. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Makarim Shirazi, Nasir. (1995). *Interpretation of Nemuneh*. Seventh Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiah.
- Hawkes, Terence. (2001). *Metaphor*. Translated by Farzaneh Tahiri. Second Edition. Tehran: Markaz Press.
- Articles:
- Barati, Murteza. (2017). Review and Evaluation of Conceptual Metaphor Theory. *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, 16, 51-84.
- Hijazi, Seyedeh Shirin, Parvin, Baharzadeh and Azita Afrashi. (2020). Analytical Comparison of Conceptual Metaphors in the Holy Quran and the Poems of the Age of Revelation. *Literary-Quranic Research*, 2, 47-25.
- Husseini, Seyedeh Mutahara and Alireza Ghaemini. (2017). Conceptual Metaphor of Divine Mercy in the Holy Quran. *Mind*, 69, 52-27.
- Sabahi Garaghani, Hamid, Heidarian Shahri, Ahmad Riza and Abdulriza Muhammad Husseinzadih. (2016). A Study of Conceptual Metaphor in Surah Al-Baqarah (by Cognitive Linguistic Approach). *Journal of Literature and Language*, 39, 107-85.
- Nazari, Razieh and Seyed Mohammad Mousavi Befroui. (2020). Cognitive Study of Metaphors of Conceptual Domain of the Names of Time in the Holy Quran. *Linguistic Research of the Qur'an*, 1, 48-33.
- Hushangi, Hussein and Mahmoud Seifi Pargo. (2009). Conceptual Metaphors in the Qur'an from the Perspective of Cognitive Linguistics. *Journal of Science and Knowledge of the Holy Quran*, 3, 34-9.
- Aristotle. (1982). *Poetics, Trans.* By W. Hamilton Fyfe, Cambridge.
- Lakoff, George & Johnson, Mark. (2003). *Metaphors. We Live By*, The University of



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی